

## من هم حقی دارم

رضارخشان

جمعه ۱۶ خرداد ۱۳۸۸

در حالیکه نزدیک به برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران می شویم و همه منتظرند تا ببینند، رئیس جمهوری آینده ایران کیست، شاهد فشار بر فشار بر فعالین کارگری و سندیکایی هستیم و این فشارها همچنان با شدت ادامه دارد.

احضار مجدد اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران هفت تپه به دادگاه در روزهای اخیر گویای این حقیقت است که، صدای حق طلبی کارگران ایران که در راستای بهبود وضعیت زندگی و فرار از تهیدستی، قابل تحمل نیست. گویا فریادهای کارگران و مطالبات به حق آنها برای عده ای، گوشخراش و بدصداست و بر این باور استوارند که کارگر حق سخن گفتن و اعتراض ندارد. در شرایط کنونی کشور شنیدن ندای کارگران بسیار آزردهنده جلوه می کند و بسیاری از فعالین جامعه کارگری هم اکنون در بازداشت و زندان بسر می برند.

ایجاد تشکل های آزاد کارگری از جرایم منتصب به اقدام علیه امنیت ملی معرفی می گردد و فعالین و موسسین این سندیکاها بایستی به زندان بروند تا عبرتی برای دیگران باشد.

در کشوری که قرار بود دست کارگر بوسیده شود و کار او را مقدس می شمردند اینک بواسطه اینکه کارگرمی گوید حقی دارد او را خواسته ایست و یاطفلك می خواهد زنده بماند، نفس بگشود و شرافت و معیشت زندگی اش را حفظ کنند، و زمانی که به جنبش و انتقاد بر می خیزد، مبدل به موجودی می شود که باید بر سر او زد و او را بر سر جایش نشانند. گویا در این کشور کارگر حقی ندارد.

حق زیستن، حق کمال، حق انسان بودن و تمامی موهبتهای عالم از او روی برگردانیده است. مگر من چه می خواهم. کجای حرف من ناصواب است. آقایان می خواهم زندگی کنم. من (کارگر) هم حقی دارم. دیگر از تنگ دستی خسته شدم. با درآمدی پایینتر از خط فقر که آنرا هم نامنظم می پردازید که تازه آنهم شامل اصلاح الگوی مصرف می شود چگونه می توانم زندگی کنم.

در این سالیان اخیر بواسطه سیاستهای غلط دولت در بخش اقتصاد، از جمله واردات بی رویه کالاباعث و رشکستگی و از کار افتادن کارخانه جات و لطمه خوردن تولید ملی شده است.

بواسطه پایین بودن تعرفه گمرکی و همچنین عدم حمایت دولت از تولید ملی، تولیدکننده ملی، از نفس افتاده و سیل و رشکستگی کارخانه جات کشور در سالهای اخیر منجر به بیکاری و فقر روز افزون برای کارگران شده و با توجه به بالا بودن هزینه تولید، دیگر موسسات تولیدی هم در آستانه نابودی هستند از آن جمله می توان به صنعت شکر و نساجی و کفش سازی اشاره کرد.

در چنین صورتی کارگر به حال خود رها می شود و زندگی اش تباہ می شود.

در پایان خطاب به کاندیداهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری توصیه می کنم:

به جای پرداختن به مشکلات و مطالبات به حق کارگری از جمله: به رسمیت شناختن تشکلهای آزاد کارگری و سندیکاها و پذیرش حق اعتصاب به عنوان حق مسلم کارگر در راستای استیفای حقوق صنفی و همچنین تغییر مواردی از قانون کار که برخلاف منافع کارگریست، مادر عمل می بینیم که بآدمیان شعارهای کلی و مبهم و پوپولیستی از مشکلات و معضلات جامعه کارگری ظفره می روند. گویا که آقایان فراموش کرده اند که من هم حقی دارم.

رضارخشان فعال حقوق بشر

و مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران هفت تپه

۱۳۸۸/۳/۱۶